

ارزیابی

تشخیصی

۲

ج - امتحانات تشخیصی و به یادسپاری اطلاعات

امتحانات تشخیصی وسیله‌ای هستند برای ایجاد تداعی بین آموخته‌های فعلی و اطلاعات قبلی. در طریق به یادسپاری و افزایش قدرت یادآوری، توجه به تکرار، مطالب لازم است، اما نمی‌توان فقط به تکرار بستنده کرد، بلکه عامل مهمی که درانتقال اطلاعات از حافظه کوتاه مدت به حافظه بلند مدت مؤثر است، ایجاد نوعی تداعی یا رابطه بین اطلاعات جدید با اطلاعات قبلی موجود در حافظه درازمدت است. ازاین رو نباید مطالب جدید را به مطالب قبلی مربوط و به طریقی رابطه معنی داری بین آنها برقرار سازیم یعنی با آموزش هر مبحث زمینه را برای آموزش درس آینده مساعد کنیم. لازم به ذکر است که جاسازی اطلاعات در حافظه بلندمدت از نوعی نظم پیروی می‌کند، یعنی غیرممکن است که شما اطلاعاتی را از حافظه بلندمدت به راحتی استخراج کنید مگر اینکه قبلاً آن اطلاعات را به صورت منظم و منطقی به خاطر سپرده باشید.

ازاین روز در جلسات ابتدایی باید مطالب به صورت آسان و قابل درک برای همه شاگردان مطرح شوند. حتی اگر خلاصه‌ای از محتوای کلی درس ارائه می‌دهیم این خلاصه هم باید آسان و قابل درک مطرح شود. و متعاقب رعایت موارد فوق درابتدای هر جلسه از طریق اجرای آزمونه‌های تشخیصی از یادگیری‌های قبلی فراگیران اطلاعاتی کسب کنیم و تنها پس از اطمینان از یادگیری‌های قبلی است که مجاز به تدریس درس جدید هستیم. امتحانات تشخیصی که در ابتدای هر جلسه اجرا می‌شوند معلم و شاگرد را از میزان تسلط نسبت به پیش‌نیازهای درس جدید واقف می‌سازند. البته در همین راستا امتحانات تشخیصی می‌توانند در ابتدای هر دوره تحصیلی یا سال تحصیلی، برای سنجش میزان اطلاعات قبلی مورد نیاز برای آموزش درس جدید به اجرا در آیند. از طریق تحلیل نتایج این آزمونهاست که معلمان می‌توانند نقایص یادگیری‌های قبلی

فاطمه حسینی دولت آبادی



فراگیرانشان را مشخص ساخته و در جهت اصلاح و تکمیل یادگیریهای قبلی برآیند. روش مورد استفاده برای جبران نواقص یادگیری دوران قبل (یا سال تحصیلی گذشته):

۱- تشکیل کلاسهای تقویتی قبل از شروع درس جدید که توسط معلم اداره می‌شود.

۲- استفاده از شاگردان قوی برای آموزش دانش‌آموزان ضعیف.

با رعایت موارد فوق، دانش‌آموزان ضعیف با تکمیل تجربیات قبلی آمادگی بیشتری برای یادگیری دروس و موضوعات جدید را دارند.

د- امتحانات تشخیصی و جلوگیری از وضعیت تصور منفی نسبت به خود

یکی از بدترین وضعیت‌های آموزشی که اگر گریبانگیر دانش‌آموزان شود، جبران آن تا حدی، امکان‌پذیر نیست، این است که عملاً فراگیران به مرحله‌ای برسند که بین تلاش خود و پیشرفت مورد انتظارشان ارتباطی نبینند. بنابراین یکی از وظایف مهم معلمان در این قبیل موقیتهای خارج کردن دانش‌آموزان از این وضعیت تصور منفی نسبت به خویشترن است. البته مهمترین علت رسیدن به وضعیت منفی، تجربه شکستهای پی در پی است. که این خود بر کرامت نفس تأثیرات منفی فراوانی برجای می‌گذارد. چنانکه تحقیقات هم نشان داده است. دانش‌آموزانی که تجربه‌های مکرر توأم با موفقیت را داشته‌اند از عزت نفس بالایی هم برخوردار بوده‌اند؛ در حالی که آنهایی که به طور مکرر با طعم تلخ شکست مانوس گشته‌اند، از ثبات شخصیت کمتری برخوردار بوده‌اند و با افزایش این تلخ‌کامیها، از تلاش و کوشش زیاد هم اثری به چشم نمی‌خورد. در حالی که افراد گروه اول نتیجه کار خود را داشته‌اند و تلاش می‌دانند، افراد گروه دوم می‌خواهند هر چه بیشتر خودشان را از صحنه خارج کرده و نتیجه حاصله را به عوامل خارجی چون بخت و اقبال شوم، نسبت دهند.

با توجه به مباحث فوق برای افزایش «مفهوم خود» دانش‌آموزان و گم‌رنگ شدن اثر کاهش عملکرد و عدم اعتماد به نفس بایستی تأکید عمده معلمان بر روی افزایش تلاش و کوشش فردی دانش‌آموزان باشد و برای تحقق این امر باید تا آنجا که امکان‌پذیر است از شکستهای پی در پی فراگیران در امر یادگیری جلوگیری به عمل آید. یکی از مهمترین راههای جلوگیری از شکستهای مکرر دانش‌آموزان که بخصوص در اواخر سال رخ می‌دهد، اجرای آزمونهای ابتدایی یا ورودی است. اگر در ابتدای هر جلسه، پیرامون مطالب قبلی سبئوالاتی از فراگیران شود، هر دانش‌آموز به راحتی با نارساییهای یادگیریش آشنا شده و با توصیه معلم در صدد جبران آن برمی‌آید و از سوی دیگر معلم هم با نقاط ضعف و قوت تدریس خود آشنا شده و به طور مشخص‌تری در جهت رفع آنها گام برمی‌دارد.

در یک نتیجه‌گیری کلی از مطالب فوق می‌توان گفت اگر محیط آموزشی بر یادگیری تأکید کند نه بر پیشرفت، این خود عامل مهمی است در جهت تشویق، تلاش و کوشش فردی دانش‌آموزان و هم از این طریق که فعالیت کودک (دانش‌آموز) مورد توجه معلم قرار گرفته نه کل شخصیت او، بازخوردهای لازم صورت می‌گیرد، شاگرد با اشتباهات خود آشنا می‌شود و چون کار بیشتر از او انتظار می‌رود، برای اصلاح و تکمیل نقایص یادگیریش قدم برمی‌دارد.

نتایج استفاده از آزمونهای تشخیصی

آزمونهای تشخیصی در دو مرحله زمانی قابل اجرا هستند: یکی قبل از شروع کلاس جدید یعنی در ابتدای سال، دوره یا ترم تحصیلی و دوم در طول سال، دوره یا ترم تحصیلی در ابتدای هر جلسه درس.

بنا بر نظر گرفتن زمان اجرای این امتحانات می‌توان نتایج متنوعی را از آنها استخراج کرد. لازم به تذکر است که در این قبیل آزمونها معلمان موظف به اندازه‌گیری

تمام اطلاعاتی قبلی فراگیران نیستند تنها می‌توانند نمونه مشخصی از هر یک از اطلاعات قبلی فراگیران را که تا حدی برای مطلب جدید لازم است، اندازه‌گیری کنند.

الف - نتایج حاصل از ابزار اندازه‌گیری تشخیصی ابتدایی دوره تحصیلی

۱- تعیین آمادگی: از طریق اجرای این امتحانات می‌توان مشخص کرد که دانش‌آموزان کلاس از اطلاعات لازم برای درس جدید برخوردار هستند یا نه و به طور کلی آمادگی ذهنی و شناختی عاطفی، کافی برای شروع درس جدید را دارند یا خیر.

۲- هم‌ترازی آمادگی شاگردان: از طریق ابزار تشخیصی می‌توان سطح معلومات قبلی شاگردان را اندازه‌گیری کرد و با یک دست کردن آمادگی کلاس، آموزش را شروع کرد (یعنی نقایص یادگیری را برطرف کرد).

۳- جایگزینی برحسب علاقه و استعداد: تقسیم‌بندی شاگردان در گروهها یا رشته‌های مختلف بر حسب علاقه و استعداد تنها در سایه اجرای این امتحانات امکان‌پذیر است.

۴- تشخیص ضرورت پیش‌نیازها: از این طریق می‌توان تشخیص داد که شاگردان در یادگیری مطالب پیش‌نیاز لازم برای شروع درس جدید که قبلاً باید آموخته باشند، موفقیت کامل رداشته‌اند یا احتمالاً نواقصی در یادگیریهای قبلی‌شان وجود دارد. و نیاز به آموزش مجدد دارند.

ب - نتایج حاصل از ابزار اندازه‌گیری تشخیصی طول دوره تحصیلی

۱- کاهش اضطراب امتحان: اولین فایده اجرای مکرر این امتحانات از بین بردن اضطراب امتحان است که معمولاً گریبانگیر اکثر فراگیران می‌باشد.

۲- کنترل یادگیری: زمانی که قسمتی از برنامه آموزشی به اتمام می‌رسد با اجرای این آزمونها می‌توان تعیین کرد که آیا دانش‌آموزان به حد یادگیری «تسلط باب» رسیده‌اند یا نیاز به آموزش مجدد دارند.

دانش آموزانی که تجربه‌های مکرر توأم با موفقیت را داشته‌اند از عزت نفس بالایی هم برخوردار بوده‌اند؛ در حالی که آنهایی که به طور مکرر با طعم تلخ شکست مانوس گشته‌اند، از ثبات شخصیت کمتری برخوردار بوده‌اند.

اگر در ابتدای هر جلسه، پیرامون مطالب قبلی سنوالاتی از فراگیران شود، هر دانش‌آموز به راحتی با نارساییهای یادگیریش آشنا شده و با توصیه معلم در صدد جبران آن برمی‌آید.

ضعف و قوتی در یادگیریشان وجود دارد. و از آنجا که یادگیری می‌تواند مقدمه خوبی برای عمل کردن باشد کسانی که خوب می‌آموزند به احتمال زیاد بیشتر می‌توانند از اطلاعات و مهارت‌هایشان استفاده کنند که این امتحانات گام مثبتی را در جهت اطلاع از میزان یادگیری به فراگیران می‌دهد. از سوی دیگر این امتحانات وسیله‌ای برای بهبود آموزش معلمان و ارزیابی شیوه تدریس، وسایل آموزشی و مواد کمک آموزشی مورد استفاده هستند.

۵- جلوگیری از درهم تنیدگی مطالب: با اطلاع از اینکه اگر دانش‌آموزان مطالب آسانتر را ابتدا فراگیرند آمادگی بیشتری برای یادگیری مطالب مشکل‌تر دارند معلمان الگوی آموزشی خود را براساس از ساده به مشکل قرار داده و با اطمینان از یادگیری مقدمات و مطالب ساده به مطالب پیچیده‌تر مشغول می‌شوند پس در این صورت خلط مطالب پیش نیامده و آموزش از منظمی منطقی که متناسب با قوای حافظه انسان هم هست برخوردار می‌شود.

۶- پدیدایش احساس اعتماد به نفس: اگر آموزش معلمان در ابتدا براساس استفاده از تواناییها و مهارتهای سطح پایین فراگیران باشد و به کمک آزمونهای تشخیصی فرد طعم موفقیت در آن زمینه‌ها را حس کند. این عامل خود مقدمه یادگیری و انجام موفقیت‌آمیز وظایف پیچیده‌تر بعدی است و در همان حال موفقیت در امتحانات ساده‌تر خود موجب احساس اعتماد به نفس شده که متعاقب آن فرد از حداکثر قوا در مراحل بعدی با اطمینان خاطر به دست آمده استفاده می‌کند.

۷- برقراری توازن در یادگیری: وقتی مطالب ساده‌تر ابتدا آموزش داده شود و آزمون تشخیصی به عمل آید با استفاده از نتایج این آزمونها می‌توان به آموزش مطالب سطح بالاترین پرداخت پس تنوع مطالب منجر می‌شود که از سنگینی برنامه در یک زمان خاص کاسته شد، علاقه دانش‌آموز هم افزایش یابد.

۸- آموزش توأم با عمق و بعد وسیع‌تر:

از طریق نتایج امتحانات تشخیصی اگر مشخص شود که فرد اطلاعات لازم را کسب کرده است آموزش حتی پیرامون همان مطالب می‌تواند با عمق و وسعت بیشتری صورت گیرد.

۹- اجرای آموزش تکمیلی: تعیین تکالیف اضافی فردی، استفاده از وسایل کمک آموزشی و برقراری کلاسهای تقویتی گامهای اساسی است که از طریق استخراج نتایج آزمونهای تشخیصی و کشف علل شکست یادگیری، برای جبران عقب ماندگیهای درسی، برداشته می‌شوند.

۱۰- رعایت نظم و ترتیب در یادگیری و یاددهی: استوار کردن مطالب جدید پیش دانسته‌های قبلی که طبعاً از پیچیدگی کمتری هم برخوردار هستند خود، منجر به ایجاد نوعی نظم و ترتیب و هماهنگی در امر کلاسداری معلم و یادگیری دانش‌آموز می‌شود. پس از آنجا که اطلاعات قبلی، شرط اولیه هستند با استخراج نتایج آزمونهای تشخیصی می‌توان با راحتی بیشتری به سراغ آموزش مطالب جدید رفت و این اقدام، خود قادر به ایجاد نوعی هماهنگی منطقی در امر آموزش محسوب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

1- Diagnostic evaluation

2- Gagne (1977)

۳- سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، چاپ ششم، تهران، آگاه، ۱۳۷۱، ص ۴۸

4- Programme Kit

5- Teacher guide

۶- مشایخ، فریده، برنامه‌ریزی درسی مدارس، (تالیف الف لوی) تهران، مدرسه، ۱۳۷۱، ص ۴۵

۷- شریعتداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۲۱

8- Bloom, B.S (1956)

۹- مشایخ، فریده، منبع قبل، ص ۴۰

10- Learning for mastery

۱۱- نجمی زنجانی، محمد، (ترجمه و نگارش)، تدبیر منزل (تالیف بوعلی سینا) تهران، ابن سینا، ۱۳۱۹، ص ۴۸ و ۴۷

۱۲- غزالی، محمد بن محمد، کیمیای سعادت، جلد دوم، به کوشش حسین خدیوی جم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۱۷

13- Ausubel, D. P (1967)

۱۴- سیف، علی اکبر (مترجم) ویزگیهای رفتارآدسی و یادگیری آموزشی (تالیف بلوم) تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳، ص ۴۲

۳- سازمان دادن به مطالب درسی: آموزش مطالب درسی آن هم به صورت واحدهای آموزشی نسبتاً کوچک و قرار دادن سنجش‌های یادگیری (تشخیصی) خود گویای تحول بخشیدن به سیستم یادگیری کارساز برای شاگردان است چرا که دانش‌آموز با یادگیری قسمتی از مطلب می‌تواند از طریق موفقیت در ارزیابی تشخیصی به یادگیری مطالب بعدی بپردازد.

۴- بازخورد فعالیتها: این امتحان نوعی ارائه بازخورد به تلاش معلمان در تدریس و میزان یادگیری فراگیران می‌باشد. از این طریق فراگیران تشخیص می‌دهند به نقاط